



بدیهی است که مسؤولیتهای معلم، نقش یا نقش‌های او را تعیین می‌کند و تعدد و تنوع مسؤولیتهای معلم را نیز شرایط زمان و مکان یا مقتضیات حاکم بر محیط زندگی معلم و دانش‌آموز مشخص می‌نمایند. بنابراین، نمی‌توان و نباید مسؤولیتهای معلم و به تبع آن نقشهای معلم را ثابت و تغییرناپذیر تصور کرد. معمولاً وظیفه‌ها یا کلیه مسؤولیتهای هر معلم را در دوایر "تربیت" و "تدریس" خلاصه می‌کنند، که اولی تقریباً همه زندگی محصلان را

معلم و راهنمایی

علی اکبر شعاری نژاد

- انضباط تحمیلی
- برنامه درسی تحمیلی
- آموزش مهارتها و فنون انتزاعی به عنوان هدف نهایی
- هدفهای ثابت
- مطالب درسی ثابت
- بی توجهی به نقش مطالب یا مواد درسی در زندگی حال و آینده دانش آموزان
- بی توجهی به وضع رشد و تکامل فردی محصلان
- بی توجهی به مصالح شخصی و اجتماعی فرد فرد محصلان

در برمی گیرد و دومی عمدتاً به آموزش مطالب و مهارت های خاص اطلاق می شود. البته، تفکیک عملی این دو غیرممکن است، زیرا خواه و ناخواه در هر دو، هدف غایی کمک به تغییر رفتار و شکل تازه دادن به آن دنبال می شود. هر معلم میزان موفقیت خود را در تربیت و تدریس، با میزان تغییرات مطلوب ایجاد شده در رفتار دانش آموزان ارزیابی می کند.

ارزیابی آثار تربیت

معیار ارزیابی آثار تربیت، ممکن است بر بنای عوامل زیر تعیین شود:

- ۲- آموزش و پرورش پیشرفته :
- آموزش و پرورش جدید یا پیشرفته با ویژگیهای زیر مشخص می شود:
- طبیعی بودن، یا فعالیت محصل بر اساس رشد و تکامل طبیعی خود
- آزادی در یادگیری از راه تجربه و تلقی
- کتاب درسی فقط به عنوان یکی از وسایل متعدد یادگیری
- آموزش مهارتها و فنون به عنوان وسایلی برای رسیدن به اهداف حیاتی و لازم
- بهره برداری از فرصتهای زندگی کنونی
- آشنایی با دنیای پیوسته در حال تغییر

- الف - سنت های جامعه یا فرهنگ آن
 - ب - خواستها یا انتظارات والدین
 - پ - خواستها یا انتظارات نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه
 - ت - خواستها یا انتظارات معلمان
 - ث - خواستها یا انتظارات برنامه ریزان درسی
 - ج - خواستها یا انتظارات دولت
 - چ - خواستها یا انتظارات جهان
- بنابراین ما همیشه با دو نوع تربیت یا آموزش و پرورش سروکار خواهیم داشت:

- ۱- آموزش و پرورش سنتی:
- آموزش و پرورش سنتی عمدتاً با خصایص زیر مشخص می شود:
- تحمیلی بودن، یا فعالیت بر طبق خواست والدین، برنامه ریزان و ...
- یادگیری از راه کتاب یا هرگونه وسیله رسمی انتخاب شده از قبل
- روش تدریس تحمیلی

- ۱- آموزش و پرورش سنتی:
- آموزش و پرورش سنتی عمدتاً با خصایص زیر مشخص می شود:
- تحمیلی بودن، یا فعالیت بر طبق خواست والدین، برنامه ریزان و ...
- یادگیری از راه کتاب یا هرگونه وسیله رسمی انتخاب شده از قبل
- روش تدریس تحمیلی

و تلویزیون)

۸- فرض ضرورت توجه به حال و آینده فرد و جامعه

محدوده‌های راهنمایی معلم نیز عبارت است از:

۱- محصلان در موارد:

- مسائل شخصی

- مسائل تحصیلی

- مسائل خانوادگی

- مسائل شغلی

- مسائل درسی و فوق برنامه

- مسائلی در موضوعات مختلف درسی

- مسائل انضباطی

- مسائل بهداشتی

۲- خانواده‌ها، که در این محدوده معلم به کیفیت روابط اعضای خانواده با کودک و نوجوان و تأثیر آن در وضع درسی ایشان می‌پردازد.

۳- وسایل ارتباط جمعی، در زمینه تهیه و اجرای برنامه‌های خاص کودکان و نوجوانان از لحاظ توجه به:

- کیفیت برنامه‌ها

- ارتباط برنامه‌ها با فعالیت‌های مدرسه

- زمان پخش برنامه‌ها

۴- برنامه‌ریزان درسی از لحاظ:

- ارتباط برنامه‌ها با امکانات دانش‌آموزان و مدارس

- ارتباط با طول زمان کار در مدارس

۵- نویسندگان کتابهای درسی از لحاظ:

- ارتباط هر کتاب با سایر کتابهای درسی یا درباره موضوعی خاص

- ارتباط با میزان علاقه‌مندی محصلان

- ارتباط با میزان رشد و تکامل محصلان و

تعداد زیادی مواد و مطالب درسی از پیش تعیین شده یا کلیشه‌ای خارج می‌شود و همه موارد و جوانب زندگی فرد فرد محصلان را در برمی‌گیرد.

در این صورت، معلم موظف خواهد شد راهنمایی همه جانبه هر محصل را به عهده بگیرد و او نخستین راهنمای مسئول دانش‌آموزان تلقی خواهد شد.

به عبارت دیگر، معلم در آموزش و پرورش جدید به خوبی می‌داند که هدف آموزش و پرورش در دنیای امروز عبارت است از: "کمک کردن به شایسته بارآمدن هر کودک و نوجوان و بهره‌مندی از توانایی سازگاری مؤثر و موافق با موقعیت‌ها".

هدف مشاوره و راهنمایی هم جز این نیست که کودک و نوجوان را در تکمیل این شایستگی و موفقیت در حل مشکلات یا رفع موانع در راه رسیدن به این هدف کمک کند.

در واقع، آموزش و پرورش و راهنمایی و مشاوره تقریباً مترادفند، جز اینکه دایره فعالیت اولی غالباً وسیعتر از دومی است.

راهنمایی و مشاوره براساس فرضهای زیر در آموزش و پرورش پیشرفته یا جدید انجام می‌گیرد:

۱- فرض آزادی فردی

۲- فرض شخصی بودن یادگیری

۳- فرض تغییر پذیری رفتار و کنترل رفتار

۴- فرض امکان آینده‌نگری

۵- فرض تعامل مداوم طبیعت و تربیت

۶- فرض امکان بهره‌مندی از زندگی

رضایت‌بخش

۷- فرض ضرورت همکاری مداوم سه نهاد خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی (رادیو



نیازهای سنی آنها

باید در حوزه‌های زیر تجربه لازم را به دست آورد:

۱- ارتباط با امکانات آموزشی در مدارس

۱- بهداشت روانی

۲- ارتباط با مواقع تدریس

۲- کاربرد و تفسیر آزمونهای هوشی

۳- سازمانهای بهداشتی از لحاظ:

۳- سنجش استعدادها و تمایلات خاص

۴- دعوت به موقع متخصصان به مدرسه برای

۴- روشهای آماری

معاینه همه جانبه محصلان

۵- راهنمایی شغلی

۵- به موقع و درست انجام گرفتن عمل

۶- زندگی و مسائل خانواده

واکسیناسیون

۷- روان‌شناسی و سنجش شخصیت

۶- پیشگیری از سرایت بعضی بیماریهای

۸- اندازه‌گیری‌های تربیتی

جسمانی

۹- روان‌شناسی کودک و نوجوان

درمان

۱۰- روان‌شناسی اجتماعی

۱۱- علم اقتصاد مخصوصاً نیروهای

تجربه معلم در راهنمایی

اقتصادی مؤثر در رفتار محصلان

۱۲- جامعه‌شناسی به ویژه نیروهای

اجتماعی مؤثر در رفتار محصلان

علاوه بر برخورداری از معلومات مذکور،

معلم زمانی صلاحیت دارد به راهنمایی محصلانش بپردازد که آمادگی کسب کرده باشد. یعنی در این امر خطیر، آموزش لازم را دیده باشد و توانایی آن را هم داشته باشد. به عنوان مثال معلم برای موفقیت در امر راهنمایی



انتظارهای یک کودک

استثنایی

دکتر احمد به پژوه

- از شما انتظار دارم
 که به نیازهای جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی من توجه کنید. *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- از شما انتظار دارم
 مرا با ویژگیها و واقعیت‌های محیطی که در آن زندگی می‌کنم، آشنا کنید. *پژوهشگاه علوم انسانی*
- از شما انتظار دارم
 بیشتر و بیشتر با من صحبت کنید.
- از شما انتظار دارم
 با من شمرده، آرام و سلیس حرف بزنید.
- از شما انتظار دارم
 به حرفهای من با علاقه و فعالانه گوش کنید.
- از شما انتظار دارم
 برای من شعرها و قصه‌های کودکانه بخوانید.
- از شما انتظار دارم
 برای من نوارهای آموزشی و قصه و نوارهای سرود پخش کنید.
- از شما انتظار دارم
 از من دربارهٔ امور گوناگون سؤال کنید.
- از شما انتظار دارم
 با من بازی و ورزش کنید.
- از شما انتظار دارم
 به سؤالهای من با دقت، با حوصله، ساده و صادقانه پاسخ دهید.

- از شما انتظار دارم مرا در انجام کارهای خانه سهم کنید.
- از شما انتظار دارم آنچه را که خود می‌توانم انجام دهم، برایم انجام ندهید.
- از شما انتظار دارم مرا و نیازها و ویژگیهای مرا بشناسید.
- از شما انتظار دارم مرا به منزل دوستان و آشنایان ببرید و هرگاه آنها به منزل ما آمدند به من اجازه حضور بدهید.
- از شما انتظار دارم در درون من امنیت روانی و عاطفی ایجاد کنید.
- از شما انتظار دارم مرا با آداب زندگی کردن، سلام کردن و احترام گذاشتن آشنا کنید.
- از شما انتظار دارم مرا با فضایل انسانی، ارزشها و هنجارهای اجتماعی مأنوس کنید.
- از شما انتظار دارم برای من الگو و اسوه خوب و شایسته‌ای باشید.
- از شما انتظار دارم با من بر اساس اصول انسانی و درست رابطه برقرار کنید.
- از شما انتظار دارم مرا دوست بدارید و در حد اعتدال به من محبت کنید.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا نقشهای گوناگون را تقلید و بازی کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی و به قدر کافی بازی کنم و نقاشی بکشم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی خریدهای کوچک را انجام دهم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی غذا بخورم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی لباسهایم را بپوشم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی موهایم را شانه کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی به دستشویی و توالت بروم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی استحمام کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی راه بروم، بدوم و لی لی کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی کارهایم را انجام دهم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به تنهایی امور زندگی را تجربه کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا انواع صداها را بشنوم و انواع رنگها را از یکدیگر تشخیص بدهم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا در خمل بعضی اشیاء مانند میوه به شما کمک کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا امور گوناگون را به طور منظم، متنوع و در شرایط واقعی تمرین کنم.

- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا در موقعیتهای گوناگون مانند عروسی، عزاداری، مهمانی و عیادت بیمار شرکت کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا به قدر کافی در بازیهای گروهی و فعالیتهای دسته‌جمعی شرکت کنم.
- از شما انتظار دارم به من فرصت دهید تا در صورت امکان به مهدکودک یا کودکانستان بروم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا خود را اداره کنم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا شادابی و سلامت خود را حفظ کنم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا با اعتماد به نفس رفتار کنم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا تمام حواس من تقویت و تربیت شوند.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا مفاهیم ادراکی مانند: باز - بسته، داخل - خارج، تر - خشک و نظایر آن را یاد بگیرم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا در انجام امور گوناگون موفق شوم و احساس خود ارزشمندی کنم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا با برگها، سنگها، دکمه‌ها، هسته‌ها، صدفها، پارچه‌ها و کاغذها کار دستی درست کنم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا اشیاء را دست کاری کنم.
- از شما انتظار دارم به من کمک کنید تا اشیاء را با یکدیگر مقایسه کنم.





از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم
 از شما انتظار دارم

به من کمک کنید تا اشیاء را با یکدیگر جفت و جور کنم.
 به من یاد بدهید که به دیگران وابسته و متکی نباشم.
 به من یاد بدهید که اشتباه کردن مقدمه یادگیری است.
 به من یاد بدهید که توانایی‌ها، استعدادها و ناتوانایی‌های خود را
 به درستی و به طور واقعی بشناسم.
 برای من محیطی امن و با کمترین محدودیت فراهم کنید و جز در
 مواقع ضروری مرا محدود نکنید.
 نسبت به نیازهای من حساس باشید و به من یاد بدهید که خود به
 رفع نیازها و نیازهای ویژه‌ام بپردازم.

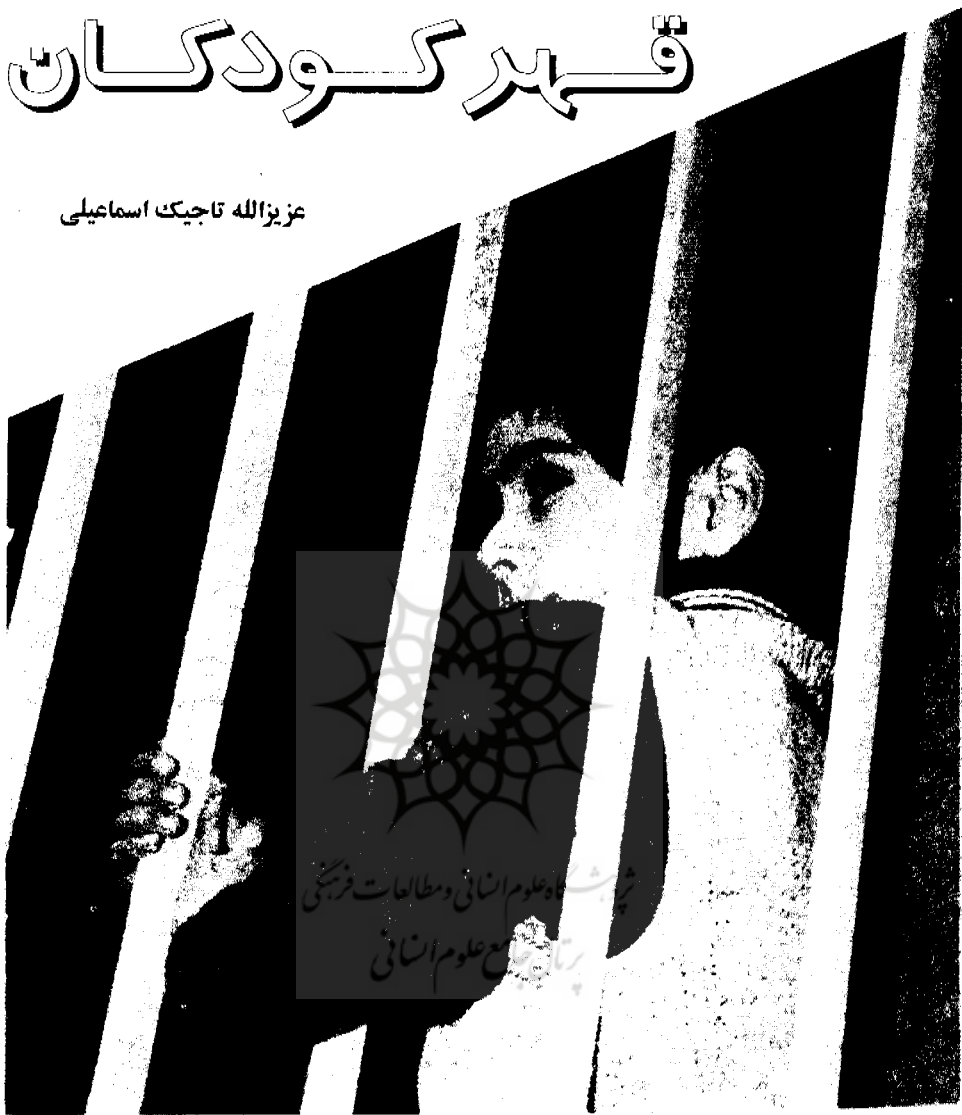
معرفی چند منبع مفید برای مادران و پدران که کودکی با نیازهای ویژه (کودک
 استثنایی) دارند:

- ۱ - آگوستینلی، ماریا انریکا (۱۳۶۲). چه می‌بینیم، چه هست. ترجمه شواره صالحی. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲ - اسلون، هواردان (۱۳۷۰). راهنمای رفتار با کودکان: باهم دعوا نکنید (پنج جلد). ترجمه حورا صدر. تهران: انتشارات سروش.
- ۳ - اسماعیلی سہی، مرتضی (۱۳۶۶). مجموعه دوباره نگاه کن: برگها. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- ۴ - افروز، غلامعلی (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵ - انجمن اولیاء و مربیان (۱۳۷۴). شیوه رفتار اولیاء و مربیان با کودک و نوجوان در مراحل رشد. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۶ - بکر، بروس و دیگران (۱۳۷۱). مهارتهای خودیاری پیشرفته: گامهایی به سوی استقلال. ترجمه مختار ملک‌پور. اصفهان: انتشارات مولانا.
- ۷ - به‌پژوه، احمد (۱۳۷۲). کودکان چگونه رفتار می‌کنند؟ همان‌گونه که با آنها رفتار می‌شود (پوستر آموزشی). تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۸ - جانسون، ویکی و ورنر، روبرتا (۱۳۶۳). راهنمای آموزش گام به گام نوزادان و کودکان عقب مانده. ترجمه حسام‌گوهری و شهین بیضاوی. تهران: انتشارات ایران یاد.
- ۹ - درویار، ریچارد و رینور، شری (۱۳۶۸). بگذارید روی پای خود بایستم: کتابی برای راهنمایی کودکان نابینا. ترجمه بهناز هاشمی‌پور. تهران: کتابهای شکوفه (انتشارات امیرکبیر).
- ۱۰ - رحمتی‌اوینی، مریم (۱۳۶۸). مجموعه دوباره نگاه کن: هسته‌ها. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۱ - صدیق‌افشار، فریده (۱۳۶۵). آموزش مفاهیم قبل از دبستان. تهران: انتشارات روزبهان.
- ۱۲ - کارتلیج، جی و میلبرن، جی (۱۳۶۹). آموزش مهارتهای اجتماعی به کودکان. ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۳ - کاکو جویباری، علی‌اصغر و طاهری، ویدا (۱۳۷۲). راهنمای آموزشی و مشاوره با والدین کودکان مبتلا به نقص شنوایی. تهران: انتشارات تربیت.
- ۱۴ - کراری، الیزابت (۱۳۷۳). مجموعه کمک به حل مشکلات کودکان: من نمی‌توانم منتظر بمانم (شش جلد). ترجمه محمد جعفر کندی. تهران: نشر رویش.
- ۱۵ - کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۳). هشدارها و نکته‌های تربیتی: تربیت از زاویه‌ای دیگر. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۶ - کیبارت، یوت (۱۳۷۲). الگوهای رشد کودک: کنترل رشد کودک به وسیله والدین و مربی. ترجمه حسین اخلاقی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۷ - گوردون، میخائیل، ریان، دیوید و شیلو، تامار (۱۳۷۲). کمک به رشد گفتار و زبان کودکان عقب مانده ذهنی تربیت پذیر به انضمام اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و کتابشناسی آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی. ترجمه احمد به‌پژوه و همکاران. تهران: نشر رویش (انتشارات رشد).
- ۱۸ - مقدم، مصطفی (۱۳۷۱). دیدن، شنیدن، یادگرفتن: یادگیری و سنجش مفاهیم ساده علمی و ذهنی در کودکان. تهران: خدمات آموزشی کودکان.
- ۱۹ - مفیدی، فرخنده (۱۳۷۳). آموزش خانواده: راهنمای عملی والدین و مربیان کودکان استثنایی. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- ۲۰ - همتی‌آهویی، ابوالفضل (۱۳۶۹). پرها. تهران: انتشارات احیای کتاب.

قهر کودکان

عزیزالله تاجیک اسماعیلی



پشت‌پرده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی-پژوهشی علوم انسانی

مقدمه :

کودکان نیست. در روابط اجتماعی کودکان دبستانی و سالهای بعد از آن، گاه "قهر کردن" به صورت یک رویه رفتاری برای کنترل و ایجاد سلطه بر دیگران درمی آید. کودکان سلطه طلبی که به برخی امتیازات خود، مثل هوش، مهارتهای بازی یا داشتن برخی از وسایل مورد

کودکان به اصطلاح "قهر" در بسیاری از خانواده‌ها و کلاسهای دبستانها دیده می‌شوند. این گروه کودکان معمولاً بهانه‌گیر، حساس، نازک نارنجی و گاه عصبانی و پرخاشگرند. واکنش رفتاری "قهر" منحصر به این قبیل

توجه همکلاسیها اطمینان دارند، گاه برای واداشتن آنان به اطاعت از دستورها و خواستههای خود با قهر کردن، ارتباط عاطفی خود را قطع و با استفاده از این اهرم رفتاری برای اعمال تسلط بر دیگر کودکان هم سن و سال و رسیدن به هدفهای خود تلاش می‌کنند. پدران و مسادران یا از قهر و بدقلقی فرزندانشان ناراحت هستند، یا آن را نوعی رفتار معمولی و عادی دوران کودکی تلقی می‌کنند و یا اصولاً کمتر به این موضوع توجه دارند که چه عواملی زمینه‌ساز این روحیه در کودک است و چگونه باید با آن مقابله کرد.

تصویر بالینی قهر در کودکان و بزرگسالان

کتابها و نوشته‌های مربوط به روان‌شناسی به ندرت اشاره مستقیم به رفتار "قهر" در کودکان دارند. در طبقه‌بندی‌های اختلالات رفتاری کودکان، حالت "افسردگی و بازداری"^۱ به گروهی از مشکلات اطلاق می‌شود که در آن حالت وقفه رفتاری، کناره‌گیری و انزوا در برابر بزرگسالان و کودکان دیگر وجود دارد.^۲ کودکان "قهر و"^۳ در چنین حالتی معمولاً عبوس و ترشرو، بداخم و دارای رفتارهای حاکی از دلخوری هستند.

قهر در کودکان نوعی واکنش عقب‌نشینی در موقعیت ناکامی، محرومیت یا احساس تهدید است؛ حالتی که به شکل گریز و قطع ارتباط صورت می‌گیرد. کودکانی که این صفت روانی و رفتاری در آنها غلبه دارد، در خردسالی حالاتی از قبیل وابستگی و اتکاء به پدر و مادر دارند، به گونه‌ای که استقلال عمل آنها معلوم نیست. این قبیل کودکان در کلاسهای درس معمولاً

صورت‌های رفتاری منفی از قبیل بی‌میلی و عقب‌نشینی نسبت به همکلاسیان و موقعیت‌های کلاس و مدرسه را نشان می‌دهند و به عبارت دیگر سعی می‌کنند رابطه خود را با شخص یا موقعیت نامطلوب قطع کنند.

در مقابله با ناکامی و محرومیت، عکس‌العمل‌های روانی افراد متفاوت است. لیکن این عکس‌العمل‌ها معمولاً به دو صورت کلی بروز می‌کنند:

یک صورت رفتار اقدام برای رفع مانع و عامل به وجود آورنده ناکامی است. این حالت گاهی رفتار سنجیده و مبتنی بر تفکر، تجارب و یادگیری‌های قبلی است. در این صورت فرد در جست و جوی یک راه حل مثبت و مؤثر است تا بتواند مشکل پیش آمده را حل کند و مانع را از سر راه بردارد. گاه نیز عکس‌العمل‌های عاطفی و هیجانی علیه مانع بروز می‌کند که روشی موفق برای مقابله با آن نیست. پرخاشگری‌های مستقیم و غیرمستقیم، کلامی و رفتاری از جمله این قبیل رفتارهاست.

صورت دیگر، کناره‌گیری و عقب‌نشینی در مقابل مانع است. در این حالت سعی می‌کنیم خود را از وضعیتی که برایمان محرومیت یا تهدید به وجود می‌آورد کنار بکشیم و به اصطلاح با آن قطع ارتباط کنیم. قطع ارتباط و کناره‌گیری نوعی واکنش منفی، تمایل به انکار وضع نامطلوب و آرزو برای از بین رفتن آن است.

رفتار "قهر" در بین افراد بزرگسال هم دیده می‌شود. قهر زن و شوهر، و یا قهر اعضای یک خانواده یا فامیل، نمونه رفتارهایی هستند که در زندگی روزمره شاهد آن هستیم. گاهی اوقات که افراد احساس می‌کنند بر طرف مقابل خود



۱ - ناکامی و محرومیت - کودکان "قهر" معمولاً در خانواده‌هایی دیده می‌شوند که والدین و اطرافیان عمداً یا سهواً آنها را در موقعیت‌های فراوان، "ناکام" می‌کنند. گاه اتفاق می‌افتد که کودک در مقابل والدین دچار یک تنگنای عاطفی می‌شود، به این معنی که هر رفتاری که می‌کند، در نظر آنان غلط می‌آید و جای ایراد و سرزنش را برایشان باقی می‌گذارد. در چنین وضعی کودک دچار احساس "بدبختی" می‌گردد و به اصطلاح فکر می‌کند: "چه بکند و چه نکند توی سرش می‌زنند"۵. کودکان در مقابل این وضعیت کمتر قادر به عکس‌العمل رفتاری فعال هستند، چون بلافاصله و از راههای مختلف به توسط والدین متهم می‌شوند. مثلاً کودکی که مادرش به او می‌گوید: "لباسهایت را جمع کن، تو چقدر شلخته‌ای"، ممکن است با اکراه و کسالت بالاخره اقدام به جمع‌آوری پیراهن و جورابها از وسط اتاق کند. او در همین حال احتمالاً انتظار

(مثل همسر، والدین یا فرزند) نفوذی دارند و می‌توانند با استفاده از این نفوذ او را وادار به انجام کاری کنند، ممکن است از قهر به عنوان ایجاد سدی در راه ارتباط عاطفی یا پذیرش طرف دیگر بهره‌گیرند.۴

زمینه‌ها و عوامل قهر کودکان

به طوری که ذکر شد، حالت رفتاری "قهر" به عنوان یک مشکل رفتاری ویژه، کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. لذا زمینه‌ها و عوامل این مشکل را نیز باید در طیف وسیعی از اختلالات مرتبط با آن از قبیل وجود ناکامی‌ها و محرومیت‌های مکرر، الگوهای رفتاری "قهر کردن" در خانواده و اطرافیان، حالت سلطه‌طلبی آموخته شده در مقابل همسالان و بزرگسالان نزدیک جست و جو کنیم و به طور کلی زمینه‌ها و عوامل زیر در پدیدآیی حالت قهر کودکان مؤثر است.

وارد شده. توجه مادر به این حالت برای کودک نوعی موفقیت محسوب می شود و به همین خاطر ممکن است در فرصتهای بعدی با توسل به این قبیل رفتارها که قهر و اخم و جلب ترحم نیز در بین آنهاست، اطرافیان "بدخلق و نامهربان" را مهار کند. حالت کودکانی که در موقع صرف غذا، شروع به بهانه جویی می کنند و در گوشه اتاق به حالت قهر دراز می کشند، یا کودکانی که از پدر و مادر چیزی درخواست می کنند و از آنان پاسخ منفی می شنوند و در نتیجه گوشه اتاق یا پشت در پنهان و از دیده ها "محو" می شوند، نمونه هایی از واکنش قهر در مقابله با موقعیتهای محرومیتزا و ناکام کننده زندگی کودکان است.

۲ - وابستگی عاطفی و عدم اعتماد به نفس -
 "وابستگی" حالتی است که از دوره نوزادی به عنوان یک "کسوی روانی و رفتاری شکل می گیرد. کودک از زمانی که مادر و اشخاص نزدیک را می شناسد و آنها را سرچشمه ارضای نیازها و امنیت روانی خود تشخیص می دهد، حالت وابستگی و اتکاء نسبت به آنان پیدا می کند. در جریان طبیعی رشد، این حالت بایستی به مرور کاهش یابد و استقلال روانی - رفتاری جایگزین آن گردد.^۶ لیکن در صورتی که به واسطه روشهای نامناسب رفتاری و تربیتی والدین حالت وابستگی در کودک باقی بماند، می تواند منجر به اختلال و وقفه در رشد شخصیت وی شود. این قبیل کودکان احتمالاً دچار عدم اعتماد به نفس و احساس بی کفایتی می شوند و یا در مناسبات اجتماعی نمی توانند عکس العمل های مناسب و موفق داشته باشند. کودکان مذکور معمولاً حالت ناپختگی

سپاس و یا حداقل خوشرویی از مادرش را دارد، لیکن واکنش مادر چیزی نیست جز بیان این عبارت که: "هان، حالا دلم می خواد پرتشان کنی توی کمدت" و یا: "جان بکن، چقدر لفتش می دهی".

در چنین موقعیتهایی کودک می آموزد که رفتار متقابل والدین در حالت عادی و معمولی چیزی جز سرزنش و دستورهای پی در پی نیست. عقب نشینی و قطع این وضع، فرصت خوبی برای گریز از خشمها و ترسروییها و جلب توجه و ترحم آنان است. لذا به راحتی بیمار می شود یا یک آسیب جسمی جزئی را با شدت به رخ آنها می کشد. این نحوه رفتار کودک معمولاً باعث جلب توجه و صمیمیت والدین می گردد؛ مثلاً گاه مشاهده می کنیم دست کودکی به در می خورد و او با صدای بلند گریه سر می دهد، یا به ظاهر چنان از درد به خودش می پیچد که تصور می کنیم آسیب جدی به او





شایسته والدین "با محبت و نوازشگر" نیست، کودک برای ارضای عطش "توجه طلبی و سلطه عاطفی بر والدین" با کوچکترین نامهربانی آنان به قهر و اخم و ترشرویی متوسل می شود. واکنش قهر و ناز از فرزندان "خردسال و شیرین" گاه برای چنین پدران و مادرانی زیبا و دوست داشتنی هم به نظر می رسد و همین امر الگوی "قهر" را در کودک شکل و رشد می دهد، تقویت می کند و چه بسا آن را به نوعی روش رفتاری در روابط با همسالان نیز تبدیل می نماید.

۴ - تنش در روابط همسالان - در مواقع ناکامی و محرومیت، کودکان خردسال در رابطه با یکدیگر بیشتر از رفتارهای پرخاشگرانه مستقیم استفاده می کنند. در سنین قبل از دبستان، کودک هنوز نمی تواند پیچیدگی روابط ناکام کننده با همسالان را درک و آن را تحلیل کند و از ترفندهای مختلف رفتاری که قهر و

اجتماعی دارند و لذا در عوض ارتباط متقابل مفید و سازنده با همسالان یا افراد بزرگسال، برای رسیدن به خواسته های خود متوسل به رفتارهایی از قبیل مخالفت و عناد، لجبازی و "قهر" می شوند.

۳ - محبت های افراطی والدین - والدینی که فرزندان خود را مورد محبت و نوازش زیاد قرار می دهند، علاوه بر احتمال حفظ الگوهای روانی وابستگی، ممکن است موجب بروز حالت سلطه طلبی در فرزندان خود گردند. کودکانی که از این محبت ها و توجهات مفرط بهره مند می شوند، به تدریج نوعی الگوی "سلطه پذیری" نسبت به خود را در والدین شکل می دهند. این قبیل کودکان الگوی مذکور را پایه و اساس روابط متقابل با همسالان نیز قرار می دهند. اعمال سلطه در این موقعیت ها می تواند با استفاده از الگوهای رفتاری پرخاشگرانه تحقق یابد. لیکن چون این رفتار

اقدامات زیر را انجام دهند:

۱- در سالهای طفولیت، ضمن توجه به نیازها و خواستههای کودک زمینه‌های رشد استقلال کودک را تقویت کنیم. این کار از طریق آزاد گذاشتن کودک برای تجارب رفتاری مورد نظر، اجازه دادن به آنان برای تصمیم‌گیری در حوزه مسائل شخصی و جایگزین کردن شیوه‌های غیر مستقیم و انحراف توجه کودک به جای مخالفت مستقیم با او در مواقع ضروری امکان‌پذیر است.

۲- رفتار نامطلوب کودک را با تحمل و بردباری بپذیریم و به او اطمینان خاطر ببخشیم. کودک ترسو و فاقد اعتماد به نفس غالباً در جستجوی شرایط و اوضاعی است که به او ایمنی خاطر بدهد. والدین می‌توانند منابع مناسبی برای انتقال این احساس به کودک

انسداد عاطفی نمونه‌هایی از آن است برای رسیدن به خواسته‌های خود بهره می‌گیرد. در دوره دبستان اولاً این توانایی تدریجاً در کودک بروز می‌کند و ثانیاً احساس تشخیص طلبی و رقابت در روابط با همسالان، بخش قابل توجهی از فضای ذهنی و روانی او را پر می‌سازد. کودکان دبستانی برای موفقیت در روابط اجتماعی خود مبادرت به استفاده از رفتارهای متنوعی می‌کنند. زورآزمایی روانی، رقابت‌های فردی و گروهی، داد و ستدهای عاطفی و بالاخره قهرکردن با همکلاسیها و دوستان از جمله روشهایی است که ممکن است به طور آگاهانه و حساب شده به توسط آنان صورت گیرد. کودک دبستانی در صورتی که در ارتباط با همسالان خود احساس شکست و ناکامی کند، "قهر" را به عنوان نوعی واکنش عقب‌نشینی انتخاب می‌نماید. احتمال استفاده از این واکنش در مواقعی که زمینه‌های زودرنجی و حساسیت، سلطه‌طلبی و تنش‌های عاطفی در کودک وجود داشته باشد، افزایش خواهد یافت. معلمان و والدین، این کودکان "قهر" را معمولاً ستیزه‌جو، پرخاشگر و سلطه‌طلب هم توصیف می‌کنند. این کودکان در نظر معلمان ممکن است "بی‌نظم و بی‌توجه به تکالیف" جلوه کنند. در خانه نیز تکالیف درسی را کش می‌دهند، ناسازگارهایی به صورت عصبانیت ایجاد سرو صدا دارند و گاه چهره‌ای لجوج و خودخواه از خویش بروز می‌دهند.^۷

شیوه‌های مقابله با قهر کودکان

برای پیشگیری و مقابله با قهر کودکان، والدین و اولیای تربیتی مدارس می‌توانند



باشند. در مدارس معلمان کلاسها می توانند در صورت بروز خطا و یا قصور از دانش آموزان ضمن رفتار صمیمانه و توأم بامهربانی و رأفت، راه جبران خطاها را به آنها نشان دهند و از این طریق، ضمن تقویت حس اعتماد به نفس، شیوه های درست مواجهه با شکست و ناکامی را به آنان بیاموزند.

۳- پرهیز از ارائه الگوی قهر و ترشرویی در مقابل کودک از جمله نکات مهمی است که به ویژه پدران و مادران بایستی در محیط خانواده به آن توجه داشته باشند. کودکان ممکن است رفتار "قهرکردن" را در نتیجه مشاهده واکنش های حاکی از قهر یکی از والدین نسبت به دیگری و یا قهر آنها به طور جدی یا حتی شوخی در مقابل خود مشاهده کنند و یادگیری "قهر" به صورت مشاهده و تقلید در چنین مواقعی زمینه ساز بروز این ویژگی روانی و رفتاری در کودک است. لذا بایستی از ارائه الگوی مذکور به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان پرهیزیم.

۴- در مواقعی که کودک قهر می کند، حتی المقدور از عکس العمل هایی که منجر به تقویت رفتار او می شود خودداری کنیم. قهر کودکان ممکن است به صورتهای مختلف تقویت شود. مثلاً مادری که به محض قهرکردن فرزند به دلجویی او می پردازد، معلمی که در مقابل قهر و جلب ترحم شاگرد از خطای او چشم پوشی می کند و یا همکلاسی بی که در مقابل قهر شاگرد دیگر تسلیم خواسته های او می گردد، نمونه های تقویت این حالت در کودکان هستند. والدین می توانند رفتار صمیمی، جدی و معقول خود را با بی توجهی نسبت به قهر کودک تلفیق کنند و از این طریق ضمن



بازکردن راه ارتباط عاطفی مطلوب با وی، واکنش قهر او را خاموش سازند.

پی نوشت ها:

1 - DEPRESSION, INHIBITION

۲- ر-ک : روان شناسی مرضی تحولی (از کودکی تا نوجوانی) ، دکتر پریخ دادستان، انتشارات ژرف، ۱۳۷۰، فصل نهم

3 - SULKY

۴- تحلیل رفتار متقابل، اریک برن، ترجمه اسماعیل فصیح، نشر فاخته، ۱۳۷۳، صفحه ۳۳۸

۵- همان منبع، صفحه ۳۳۹

6 - CHILD PSYCHOLOGY :E. MOVIS HETHERINGTON & ROSS D.PARKE - MC GRAW HILL. - 1986 - P: 246 - 258

۷- فرایند قهر و کشمکش در دانش آموزان دبستانی و ویژگی های روانی - اجتماعی مرتبط با آن، مهشید شاملو (پایان نامه لیسانس)، دانشکده مدیریت و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۳



معلم در صورتی مشاور خوبی خواهد شد که :
 - با زندگی و فعالیت‌های خارج از مدرسه دانش‌آموزان آشنا باشد.
 - اطلاعات لازم درباره مقولات زیر را به دست آورد:

- ۱- راهنمایی تربیتی و تحصیلی
 - ۲- راهنمایی شغلی
 - ۳- راهنمایی اجتماعی و اخلاقی
 - ۴- راهنمایی بهداشتی
 - ۵- راهنمایی تفریحی و صرف اوقات فراغت
 - ۶- راهنمایی شخصیتی، شامل مسائل روانی و بهداشتی و روانی
 - ۷- مسائل گوناگون مالی و دینی
- الف - معرفی دانش‌آموزانی که به کمکها و راهنمایی‌های خاص نیاز دارند.
 ب - فراهم کردن موقعیت مساعد برای مشاوره و راهنمایی
 پ - قراردادن مدارک مورد لزوم در اختیار مشاور
 ت - پی‌گیری راهنمایی‌ها و توصیه‌های مشاور
 ث - به کار بستن توصیه‌های مشاور در مورد هر دانش‌آموز
 همکاری مشاور با معلم نیز ممکن است به صورتهای گوناگون زیرانجام گیرد:
 الف - مشورت و نظرخواهی از معلم درباره ابعاد زمانی، تجارب، سوابق و وضع یادگیری دانش‌آموز مورد نظر
 ب - راهنمایی معلم درباره چگونگی گردآوری سوابق مورد نیاز
 پ - آگاه کردن معلم نسبت به پیشینه کار مشاور در مورد دانش‌آموزان

همکاری معلم و مشاور

بدون تردید، تربیت یا آموزش و پرورش مؤثر و موفق مستلزم همکاری صمیمانه و صادقانه همه دست‌اندرکاران جامعه به ویژه معلمان و مشاوران است.
 همکاری معلم با مشاور به صورتهای مختلف انجام می‌گیرد، از جمله :